

مقایسه تطبیقی و تحلیلی برنامه‌های درسی رشته علوم تربیتی در ایران و آلمان

محمد رضا نیلی احمدآبادی*

زهرا نیلی احمدآبادی**

ضرورت بازنگری در رشته‌های علوم انسانی بر هیچ کس پوشیده نیست. قدمت سرفصل‌ها، عدم کارایی فارغ التحصیلان برای رفع نیازهای بازار کار، عدم همخوانی سرفصل‌های تعیین شده با نیازهای بومی و دینی، تاکید بر فرهنگ ترجمه بجای تولید علوم و موارد دیگر حاکی از ضرورت این بازنگری است. علیرغم مشخص بودن مساله و ابعاد حیاتی آن، ولی هنوز راه حل مدونی مطرح نگردیده است. رشته علوم تربیتی از رشته‌های مهمی است که سرنوشت جامعه به آن گره خورده است. متأسفانه در شرایط فعلی از فرهنگ غنی اسلام و ایران در تعیین سرفصل و تدوین محتوای دروس این رشته استفاده لازم نشده است. از سوی دیگر کاروان پیشرفت علوم و فنون بحدی سریع است که بی توجهی به آن، مانع پیشرفت جامعه و رقابت علمی با سایر کشورها می‌شود. بازنگری از ابعاد مختلفی شکل می‌گیرد که هر بعد به مثابه اجزا یک پازل باید در محل خویش قرار گیرد تا در نهایت بتواند تصویر کاملی از یک نظام آموزشی معتبر را به نمایش گذارد. بنابراین اگر بخواهیم در سرفصل دروس، بازنگری جامعی صورت گیرد به گونه‌ای

* دکترا در رشته علوم تربیتی با تخصص تکنولوژی آموزشی nili1339@gmail.com

** دانشجوی کارشناسی ارشد در دانشگاه علامه طباطبائی

که اساتید با رغبت کامل در پیاده کردن دروس تلاش نمایند و آیندگان نیز خود را متعهد به استمرار آن بدانند، توجه به ابعاد مختلف بازنگری از قبیل به روز بودن محتوا، استمداد از صاحب‌نظران و پویا بودن برنامه الزامی است. در این تحقیق به یکی از ابعاد بازنگری یعنی مقایسه سرفصل رشته علوم تربیتی در کشور ایران با کشور آلمان که از نظر علمی و کاربردی در این رشته فعالیت قابل توجهی دارد و پیشرفت‌های علمی و صنعتی آن مبین این ادعا است، صورت می‌گیرد. این تحقیق از نوع توصیفی و با روش توصیفی تحلیلی و با استفاده از منابع علمی صورت می‌گیرد. مقوله بندی در این تحلیل بر اساس دسته بندی رشته‌های علوم تربیتی و گرایش‌های آنست. از آنجاییکه سرفصل دروس در دانشگاه‌های مختلف آلمان متنوع است و هر دانشگاه سرفصل خاص خویش را دارد، از دانشگاه کلن بعنوان نمونه استفاده شده است. مقطع تحصیلی در این تحقیق کارشناسی می‌باشد. نتیجه تحقیق، می‌تواند دو رویکرد متفاوت را در برنامه درسی رشته علوم تربیتی در دانشگاه‌های دو کشور نشان دهد.

اهمیت بازنگری در رشته علوم تربیتی

جایگاه آموزش و پرورش انسان در آموزه‌های دینی، فرهنگی و ملی جامعه از موقعیت والایی برخوردارست. رسالت انبیا در راستای تعلیم و تربیت انسان‌ها از جمله مواردی است که جایگاه علوم تربیتی را در مجموعه آموزه‌های دینی نشان می‌دهد. باوجود گنجینه‌های گرانبها در مجموعه معارف اسلامی، علوم تربیتی که مسئولیت تربیت افراد را در مشاغل آموزشی به عهده دارد، در دانشگاه‌های ما با نقایص زیادی مواجه است. علایم زیادی مبین نقایص برنامه‌های درسی در رشته علوم تربیتی است. ضعف نظام آموزش و پرورش در تربیت فارغ التحصیلان کارآمد پس از ۳۲ سال موید این مطلب است که دانشگاه و سازمان‌های متولی امر تربیت نیروی انسانی ماهر نتوانسته‌اند در پرورش دانش آموزان بر اساس اهداف مصوب موفق گردند. در آسیب شناسی ضعف علوم انسانی، به موارد متعددی برمی‌خوریم که وضعیت تدریس این رشته در دانشگاه‌ها، از جمله این عوامل است. قدیمی بودن سرفصل‌ها، عدم همخوانی آنها با نیاز جامعه، عدم بهره گیری از ظرفیت معارف دینی و فرهنگی در سرفصل دروس، حاکمیت فرهنگ ترجمه، عدم مهارت و تسلط اساتید در کاربردی کردن مبانی نظری، مدرک گرایی، عدم همکاری